



Developing an Iranian–Islamic Model of Women’s Dress Based on the Iranian–Islamic Model of Progress (Qualitative Approach)

1. Masoumeh Mohammadi Seif : PhD Student, Department of Sociology, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Zahra Sadat Moshir Estekhareh *: Assistant Professor, Department of Cultural Sociology, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Abbas Ali Ghayoomi : Associate Professor, Department of Cultural Management and Media Management, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

4. Esmail Kavousi : Professor, Department of Cultural Management, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author’s Email Address: Zahra1347@iaau.ac.ir

How to Cite: Mohammadi Seif, M., Moshir Estekhareh, Z. S., Ghayoomi, A. A., & Kavousi, E. (2025). Developing an Iranian–Islamic Model of Women’s Dress Based on the Iranian–Islamic Model of Progress (Qualitative Approach). *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 3(2), 1-21.

Abstract:

The present study aims to develop an Iranian–Islamic model of women’s dress grounded in cultural, religious, and national values. The research adopts a documentary method, and data were collected through systematic note-taking. In this study, principles such as modesty, chastity, national identity, and aesthetics are examined as theoretical foundations, and an analytical–comparative framework is proposed to explicate these concepts. In addition, the challenges and opportunities associated with implementing an Iranian–Islamic dress model in contemporary Iranian society are analyzed. In designing the proposed model, inspiration is drawn from arabesque motifs and patterns derived from Iran’s traditional arts, particularly tilework, stucco decoration, and historical textiles. While maintaining a connection to cultural heritage, this approach emphasizes creating harmony between tradition and modernity and contributes to strengthening women’s cultural identity as well as aligning dress with the social, economic, and aesthetic needs of Iranian society. The success of this model depends on the alignment of religious teachings with Iran’s cultural and artistic requirements. The proposed model can serve as a guide for cultural policymakers, Islamic fashion designers, and scholars in the field of clothing, and can play a role in the development of innovative apparel technologies and sustainable design.

Keywords: Iranian–Islamic dress, women, Iranian–Islamic model of progress, dress model, “Mah-e Bāgh” model, “Sahar” model, cultural policies.

Received: 05 April 2025

Revised: 26 July 2025

Accepted: 04 August 2025

Published: 23 August 2025



تدوین الگوی پوشش ایرانی اسلامی زنان با تکیه بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (رویکرد کیفی)

۱. معصومه محمدی سیف¹: دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. زهرا سادات مشیر استخاره²: استادیار، گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. عباسعلی قیومی³: دانشیار، گروه مدیریت فرهنگی و مدیریت رسانه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴. اسماعیل کاوسی⁴: استاد، گروه مدیریت فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Zahra1347@iau.ac.ir

نحوه استناددهی: محمدی سیف، معصومه، مشیر استخاره، زهرا سادات، قیومی، عباسعلی، و کاوسی، اسماعیل. (۱۴۰۴). تدوین الگوی پوشش ایرانی اسلامی زنان با تکیه بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (رویکرد کیفی). تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۳(۲)، ۱-۲۱.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی پوشش ایرانی-اسلامی زنان، بر اساس مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی، دینی و ملی انجام شده است. روش پژوهش از نوع اسنادی بوده و داده‌ها از طریق فیش‌برداری گردآوری شده‌اند. در این مطالعه، اصولی چون حیا، عفاف، هویت ملی و زیبایی‌شناسی به‌عنوان مبانی نظری بررسی شده و چارچوبی تحلیلی-تطبیقی برای تبیین این مفاهیم ارائه گردیده است. همچنین، چالش‌ها و فرصت‌های اجرای الگوی پوشش ایرانی-اسلامی در جامعه‌ی معاصر ایران مورد تحلیل قرار گرفته است. در طراحی الگوی پیشنهادی، از نقوش و طرح‌های اسلیمی برگرفته از هنرهای سنتی ایران، به‌ویژه کاشیکاری‌ها، گچ‌بری‌ها و بافته‌های تاریخی الهام گرفته شده است. این رویکرد ضمن حفظ پیوند با میراث فرهنگی، بر ایجاد هماهنگی میان سنت و مدرنیته تأکید دارد و به تقویت هویت فرهنگی زنان و سازگاری پوشش با نیازهای اجتماعی، اقتصادی و زیبایی‌شناختی جامعه‌ی ایرانی کمک می‌کند. موفقیت این الگو منوط به هم‌سویی آموزه‌های دینی با مقتضیات فرهنگی و هنری ایران است. الگوی ارائه‌شده می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای سیاست‌گذاران فرهنگی، طراحان مد اسلامی و پژوهشگران حوزه‌ی پوشاک مورد استفاده قرار گیرد و در توسعه‌ی فناوری‌های نوین پوشش و طراحی پایدار نقش‌آفرین باشد.

کلیدواژگان: پوشش ایرانی اسلامی، زنان، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگوی پوشش، مدل «ماه باغ»، مدل «سحر»، سیاست‌های فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۱۶ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۴ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۱ شهریور ۱۴۰۴



در جهان امروز، با گسترش ارتباطات و تنوع فرهنگی، پوشش زنان در ایران از فرهنگ‌های غربی تأثیر پذیرفته است. «افزایش ارتباطات رسانه‌ای و ورود فرهنگ‌های بیگانه، سبک پوشش در جامعه ایرانی، به‌ویژه در میان جوانان را دگرگون ساخته است. این دگرگونی گاه به بحران هویت در انتخاب پوشش انجامیده که نمود آن را می‌توان در ترکیب پوشش سنتی و مدرن مشاهده کرد» (1). این وضعیت، زمینه‌ساز چالش‌های هویتی و فرهنگی در میان بانوان ایرانی شده است. در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، بر حفظ هویت دینی و ملی و پاسداری از ارزش‌های فرهنگی، همراه با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین تأکید شده است. از این رو، تدوین الگویی برای پوشش که هم با اصول دینی و فرهنگی سازگار باشد و هم نیازهای زنان امروز را پاسخ دهد، ضرورتی انکارناپذیر به‌شمار می‌آید. در حقیقت، پوشش در تمدن ایرانی-اسلامی همواره جایگاهی ویژه داشته و از مؤلفه‌های اصلی هویت فرهنگی و اجتماعی در ایران بوده است. «لباس، وسیله‌ای است برای پنهان ساختن ساختار بدنی و تغییر ظاهر آن، که ریشه در فرهنگ و زبان هر قوم دارد» (2). پوشاک در طول تاریخ، بازتابی از جایگاه انسان در هستی و نشانگر فرهنگ، هنر و زیباییشناسی هر ملت بوده است. بر پایه‌ی یافته‌های یاسینی (۱۳۹۳)، میراث فرهنگی و عناصر نمادین آن — از جمله آداب و رسوم، نوع پوشاک، رفتارهای اجتماعی و هنرهای ملی — نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت فرهنگی دارند (3). از این رو، احیای پوشاک سنتی و بهره‌گیری از نمادهای بومی می‌تواند ابزاری مؤثر در حفظ هویت فرهنگی و مقابله با یکسان‌سازی جهانی باشد. «لباس‌های بومی در مناطق مختلف ایران، گذشته از معرفی هویت قومی و جغرافیایی، حامل ارزش‌های آیینی، تاریخی و نمادین نیز هستند» (1). در جامعه‌ی کنونی، مسئله‌ی انتخاب فردی و آزادی در پوشش در برابر معیارهای اجتماعی و دینی قرار گرفته است. به تعبیر سعیدی (۱۳۹۲)، جوامع امروز ناگزیر درگیر فرآیندهای چانه‌زنی میان ارزش‌های سنتی و آزادی‌های فردی شده‌اند. به‌ویژه در دهه‌های اخیر، پوشاک به موضوعی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده و همانند زبان، بازتابی از جایگاه و هویت فرد در جامعه است (4). از دیدگاه نشانه‌شناسی فرهنگی نیز، پوشاک حامل معنایی است که از طریق رنگ، جنس، فرم و نمادها منتقل می‌شود و از آن با عنوان «زبان پوشاک» یاد می‌شود (همان). از سوی دیگر، زنان به‌عنوان نیمه‌ی تأثیرگذار جامعه، نقشی بنیادین در تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایفا می‌کنند. بنابراین، نوع پوشش آنان نه تنها بر تصویر فرهنگی جامعه اثرگذار است، بلکه در سلامت اجتماعی و اخلاقی نیز نقشی کلیدی دارد (5). در همین راستا، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، پوشش بانوان را نمادی از کرامت زن، امنیت اجتماعی و هویت دینی می‌داند (6). در سال‌های اخیر، به دلیل گسترش نفوذ فرهنگ‌های غربی، شبکه‌های اجتماعی و تغییر سبک زندگی، ضرورت بازنگری در الگوی پوشش زنان ایرانی بیش از پیش احساس می‌شود (7، 8). پژوهش‌های جدید نیز بر این باورند که ترکیب عناصر سنتی و مدرن در طراحی لباس می‌تواند به بازآفرینی هویت فرهنگی کمک کند (9، 10).

در این چارچوب، بهره‌گیری از نقوش و طرح‌های اسلیمی، کاشیکاری‌ها، گچ‌بری‌ها، و بافته‌های ایرانی در طراحی لباس، نه تنها ارزش‌های زیبایی‌شناختی و هنری را ارتقا می‌دهد، بلکه پیوندی عمیق میان میراث فرهنگی و نیازهای روز جامعه برقرار می‌کند. چنین نگرشی با روح تعادل میان سنت و مدرنیته سازگار است و می‌تواند زمینه‌ساز الگویی بومی، اصیل و درعین حال کارآمد برای پوشش زنان ایرانی باشد.

در نتیجه، تدوین الگویی بومی و اسلامی برای پوشش بانوان، که در عین وفاداری به ارزش‌های دینی و ملی، پاسخگوی اقتضات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عصر حاضر باشد، ضرورتی اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود. این پژوهش می‌کوشد با ارائه‌ی الگویی تحلیلی-تطبیقی، به تبیین مبانی نظری، چالش‌ها و

فرصت‌های طراحی پوشش ایرانی-اسلامی زنان بپردازد و از طریق الهام از هنرهای سنتی ایرانی و بهره‌گیری از مؤلفه‌های مدرن طراحی، به تکوین الگویی پایدار و هویت‌محور کمک کند.

در پایان، پژوهش حاضر حاکی از آن است که تدوین چنین الگویی می‌تواند ضمن حفظ هویت دینی و ملی، به ارتقا و پیشرفت اجتماعی زنان یاری رساند.

پیشینه تجربی پژوهش

در میان پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه، می‌توان به پژوهش راه‌شبدیز و حسن‌زاده با عنوان حجاب و عفاف در هنر طراحی لباس اشاره کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که هنرمند طراح می‌کوشد تا سنت‌های ایرانی-اسلامی، شامل فرهنگ، هنر اصیل ایرانی و ارزش‌های دینی و ملی را در قالب طرح‌ها و برش‌های متنوع و تزئیناتی چون سوزن‌دوزی، چاپ و نقاشی پارچه که برگرفته از روح هنرپرور انسان کمال‌جوی ایرانی است، در عرصه مد به نمایش بگذارد. در این راستا، برای بیان مفاهیم حجاب و عفاف اسلامی، از سنت حکمت و هنر قدسی، اخلاق، ادبیات، مبانی روان‌شناختی فرم و رنگ و هنرهایی مانند نقش‌برجسته، موزاییک‌کاری، نگارگری، مینیاتور و کاشی‌کاری در طراحی پوشاک بهره می‌گیرد (11). پژوهش نظریور با عنوان بررسی مهم‌ترین گرایش‌ها و عوامل مؤثر در نهادینه‌سازی فرهنگ پوشش و حجاب دینی-اسلامی در میان دانش‌آموزان نشان داد که زنان به سبب نقش محوری در خانواده و جامعه، بیش از مردان هدف تغییر نگرش و سبک زندگی در بستر فضای مجازی قرار می‌گیرند. در نتیجه، بدحجابی و بی‌حجابی در این فضا به ابزاری برای دگرگونی سبک زندگی زنان و یکی از چالش‌های جدی اجتماعی تبدیل شده است (12). همچنین، یافته‌های تحقیق بهجت‌پور و احمدی‌بیغش با عنوان سیاست‌گذاری‌های قرآن کریم در جامعه‌پذیری عفاف و حجاب نشان داد که حکم حکومتی حجاب با هدف تشخیص اجتماعی ایمانی بانوان و در قالب یک دستور شرعی و سیاسی صادر شده و موجب هنجارسازی و استمرار هویت و پوشش اسلامی در جامعه می‌شود (13). نتایج پژوهش ستایش صفائی و حسین‌نژاد با عنوان رنگ‌شناسی و تغییر فرم در دیزاین پوشاک زرتشتیان دوره‌های اسلامی ایران نیز بیانگر آن است که تغییر فرم و تمایز در طراحی پوشاک زرتشتیان، تابعی از میزان سخت‌گیری حکومت‌های اسلامی نسبت به اقلیت‌های دینی و جایگاه آنان در جامعه بوده است؛ به طوری که در برخی دوره‌ها زرتشتیان در حاشیه جامعه قرار داشته و در مقاطعی دیگر، در جامعه فعال بوده‌اند. همچنین، پژوهش زارع مهدیه با عنوان بررسی و شناخت فلسفه پوشش و عفاف در فرهنگ اسلامی با رویکرد زیبایی‌شناسی در طراحی مانتوهای بانوان نشان داد که از دوران انسان بدوی تاکنون، بشر همواره در اندیشه تحول و تنوع در پوشش خود بوده و این موضوع را به‌عنوان عنصری هویت‌ساز که با سایر مؤلفه‌های فرهنگی در ارتباط است، دنبال کرده است (14). در پایان، نتایج پژوهش شاهی با عنوان الگوی موفق پوشش دختران ایرانی حاکی از آن بود که پوشش دختران ایرانی، با نمایش زیبایی، هویت ملی و احترام به ارزش‌های مذهبی و فرهنگی، نشانه‌ای از تعهد اجتماعی و اعتبار فرد در جامعه به شمار می‌آید (15).

در همین زمینه، نتایج پژوهش مهربانی‌فر با عنوان واکاوی مبانی و اصول سبک پوشش اسلامی-ایرانی بر اساس آیات قرآن و احادیث؛ از بعد جهان‌بینی تا هنجاری نشان داد که می‌توان بر پایه اصول جهان‌بینی توحیدی، در برابر تنوع و نسبی‌گرایی موجود در نظام سرمایه‌داری در حوزه پوشش، نوعی تنوع مبتنی بر وحدت را پدید آورد (16). همچنین، شجاعی و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان نقش رنگ در پوشش اسلامی با نگاهی اجمالی به قرآن کریم و روایات دریافتند که افزون بر کارکردهای رنگ در حوزه‌های خصوصی و اجتماعی، لباس می‌تواند ابزاری مؤثر برای معرفی و ترویج فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی باشد. به ویژه،

بر اساس روایات، رنگ سبز را می‌توان به‌عنوان نماد توحید و خداپرستی در فعالیت‌های بین‌المللی معرفی کرد (17). زارع و شادفروینی نیز در پژوهش خود با عنوان بررسی هویت ایرانی-اسلامی در طراحی پارچه‌های پوشاک زنان (مورد مطالعه آثار جشنواره‌های بین‌المللی مد و لباس فجر از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵) نشان دادند که مفاهیم و نمادهای هویتی در تار و پود پارچه‌ها چنان نفوذ یافته که می‌توان یکی از راه‌های شناخت هویت ایرانی-اسلامی در پوشاک را در همین نمادهای به کار رفته در طراحی پارچه‌ها جست‌وجو کرد (18). افزون بر این، موسوی و همکاران در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر پوشش زنان جوان از سال ۵۷ تا دهه ۸۰ به این نتیجه رسیدند که حل مسأله حجاب به‌عنوان یک مسأله اجتماعی و پدیده فرهنگی، نیازمند راهکارهایی در حوزه‌های اجتماعی مانند مهندسی فرهنگی، اتخاذ راهبردهای توسعه درون‌زا، تقویت وفاق و انسجام اجتماعی و جلب مشارکت عمومی در زمینه فرهنگ عفاف و حجاب است (19, 20). این تحقیق از منظر هدف، در زمره پژوهش‌های توسعه‌ای قرار می‌گیرد که تلاش دارد سند الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت را در زمینه پوشش ارتقا بخشد. نوع پژوهش، کیفی است و از روش توصیفی-تحلیلی بهره می‌گیرد؛ بدین معنا که از یک سو به شناسایی و توصیف نظام‌مند وضعیت موجود سند الگو پرداخته و از سوی دیگر، شرایط پوشش در جامعه را بررسی و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه می‌دهد. گردآوری داده‌ها نیز به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته و بر تحلیل محتوای منابع متمرکز است.

پیشینه نظری پژوهش

بخش اول: مفهوم شناسی

مفهوم الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، مبانی نظری پژوهش

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به‌عنوان چارچوبی نظری و اجرایی، با تکیه بر مبانی اسلام و ارزش‌های فرهنگی ایران، در پی تدوین الگویی جامع برای توسعه همه‌جانبه کشور در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. این الگو با توجه به ویژگی‌های بومی جامعه ایرانی و در پرتو تعالیم اسلامی، به دنبال ارائه راهکارهایی در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و فرهنگی و تحقق رشد متوازن و عدالت‌محور می‌باشد (21). در ایران، درباره‌ی مفهوم و نحوه اجرای پوشش اسلامی دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد. برخی بر اجرای سخت‌گیرانه‌تر و ظاهری‌تر این حکم تأکید دارند و گروهی دیگر، خواهان انعطاف‌پذیری و آزادی بیشتر در انتخاب نوع پوشش هستند. این تفاوت دیدگاه‌ها گاه موجب بروز اختلافات فرهنگی و اجتماعی در جامعه می‌شود. از منظر دینی، مبنای اصلی پوشش اسلامی در آیات قرآن کریم تبیین شده است: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (سوره نور، آیه ۳۱). این آیه، بر لزوم رعایت حریم اخلاقی و حفظ عفاف از سوی زنان مؤمن تأکید دارد و نشانگر جایگاه پوشش به‌عنوان یکی از ارکان سلامت فرهنگی جامعه است. یکی از اهداف اصلی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، حفظ هویت دینی و ملی جامعه است و در این چارچوب، پوشش زنان نه تنها به‌عنوان ابزاری برای پاسداری از ارزش‌های اخلاقی، بلکه به‌مثابه نمادی از کرامت و پایبندی اجتماعی تلقی می‌شود. رعایت پوشش مناسب می‌تواند موجب تقویت جایگاه زنان در جامعه اسلامی و ایجاد بستری امن برای مشارکت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنان گردد (21). مفهوم «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» در اصل، راهبردی کلان در مسیر توسعه کشور است که با هدف دستیابی به رشد پایدار مبتنی بر ایمان، عدالت و استقلال ملی مطرح شده است (22). مبانی نظری این الگو بر اصولی چون عدالت، کرامت انسانی، استقلال، خوداتکایی، عقلانیت دینی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی ایران تأکید دارد. در عرصه نظری، فرهنگ به‌عنوان مجموعه‌ای

از باورها، آیین‌ها، افکار و ارزش‌ها در سه سطح تعریف می‌شود: ۱. مظاهر فرهنگ و تولیدات انسانی؛ ۲. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی؛ ۳. باورهای بنیادین جامعه (23). بر این اساس، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، فرهنگ را بستر تحول اجتماعی و تربیت انسان متعالی می‌داند و بر نقش معنویت و اخلاق در پیشرفت جامعه تأکید ویژه دارد (24). این رویکرد، با تکیه بر پیشینه فرهنگی و تاریخی ایران، به دنبال ایجاد تعادلی میان توسعه مادی و تعالی معنوی است (25). از منظر اجرایی، الزامات تحقق این الگو را می‌توان در چند محور کلیدی خلاصه کرد:

۱. تحول در علوم انسانی و اجتماعی بر پایه آموزه‌های اسلامی؛

۲. شناسایی و سازمان‌دهی نخبگان و اندیشه‌ورزان مسلمان؛

۳. آموزش و ترویج الگو در سطح ملی؛

۴. صیانت از استقلال و هویت فرهنگی ایران؛

۵. حفظ وحدت و انسجام اجتماعی؛

۶. تدریجی بودن فرآیند تحقق؛

۷. بهره‌گیری از تجارب موفق تمدنی؛

۸. مقابله با سلطه فرهنگی؛

۹. ایجاد امید و نشاط در نسل جوان؛

۱۰. حمایت از مستضعفان و ترویج عدالت اجتماعی؛

۱۱. تحکیم بنیان خانواده و ارتقای نظام تعلیم و تربیت اسلامی؛

۱۲. راه‌اندازی کرسی‌های نظریه‌پردازی، گسترش علم، فناوری و نوآوری (26).

به‌طور کلی، این الگو می‌کوشد با تعریف نقش زن در چارچوب کرامت، عدالت و مشارکت اجتماعی، و با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی، الگویی برای پوشش و حضور اجتماعی زنان ارائه دهد که هم متناسب با شرایط فرهنگی روز و هم همسو با اصول دینی باشد. این دیدگاه در پژوهش‌های اخیر نیز تأیید شده که نشان می‌دهند پوشش اسلامی هوشمندانه و زیباشناختی می‌تواند پلی میان سنت و مدرنیته فرهنگی ایران ایجاد کند (27).

نوع پوشش زنان و اهمیت آن در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

حجاب از جمله موضوعات بنیادین در فرهنگ اسلامی است که در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، نقشی مؤثر در حفظ منزلت، کرامت انسانی و سلامت اخلاقی جامعه ایفا می‌کند. عفاف نیز به‌عنوان جلوه‌ای از پوشش درونی و خودکنترلی رفتاری، یکی از مفاهیم محوری در منظومه‌ی معرفتی اسلام است که در بستر جامعه‌ی دینی تجلی می‌یابد و به سامان‌دهی روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی منجر می‌شود. سابقه‌ی حجاب در ایران به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد و در ادوار اسلامی نیز همواره به‌عنوان یک تکلیف اخلاقی و ارزشی مورد توجه اندیشمندان، فقها و سیاست‌گذاران فرهنگی بوده است. پژوهشگران معاصر، منشأ حجاب را در ترکیبی از عوامل فلسفی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و روان‌شناختی جست‌وجو می‌کنند و آن را پدیده‌ای چندبعدی و معنادار در ساختار

فرهنگی جامعه می‌دانند (11). ضرورت پوشش اسلامی به‌عنوان بخشی از فرهنگ بنیادی، نه‌تنها جنبه‌ای فردی و اخلاقی دارد، بلکه به‌عنوان اصلی اجتماعی، فرهنگی و تمدنی نیز مطرح است. در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، پوشش بر پایه‌ی ضوابط شرعی و اصول اخلاقی، نقشی اساسی در صیانت از نظام ارزشی، تقویت بنیان خانواده و ارتقای سلامت اجتماعی دارد (28).

از دیدگاه فقه اسلامی، حجاب نه صرفاً امری پوششی، بلکه نمادی از حیا، وقار و التزام به ارزش‌های دینی است. الزامات حجاب اسلامی با نگاهی ارزشی به مقام انسان، ضمن پاسداشت کرامت زن، به سامان‌دهی اجتماع و تعادل روابط انسانی منتهی می‌شود. در فقه اسلامی تأکید شده که پوشش باید بخش گسترده‌ای از بدن را دربرگیرد و همراه با هنجارهای اخلاقی و رفتاری باشد (14). در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، حجاب و عفاف از ارکان شکل‌دهنده‌ی جامعه‌ی سالم و پویا محسوب می‌شوند. هدف این الگو، ایجاد محیطی ایمن، سالم و اخلاق‌محور است تا زنان بتوانند با حفظ کرامت و امنیت، در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مشارکت مؤثر داشته و در بالندگی جامعه اسلامی-ایرانی سهیم باشند (29).

مد، هویت و تعامل آن با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واژه‌ی «مد»^۱ در اصل از زبان فرانسه وارد فارسی شده و به معنای شیوه، سبک، سلیقه و روش به‌کار می‌رود (30). در «دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی»، مد به رفتارهایی نسبتاً زودگذر در حوزه‌ی آرایش فردی، پوشاک و گفتار اطلاق می‌شود و از نظر پایداری، با «رسم» تفاوت دارد؛ چرا که رسم به کنش‌های دیرپا و سنتی اشاره دارد، در حالی که مد، بازتاب رفتاری نو و گذراست (31). در دهه‌های اخیر، مد به‌عنوان یکی از عناصر بنیادین فرهنگ معاصر، نقشی اساسی در شکل‌گیری و بازنمایی هویت فردی و جمعی ایفا کرده است. در ایران، این پدیده به دلیل پیوند با ارزش‌های دینی، فرهنگی و ملی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در معنای گسترده، مد شامل مجموعه‌ای از سبک‌ها، الگوها و کنش‌های اجتماعی است که در بازه‌ی زمانی، در یک فرهنگ یا جامعه رواج می‌یابند و حوزه‌هایی چون پوشاک، معماری، موسیقی، آرایش و شیوه‌ی گفتار را دربر می‌گیرد (32). از دیدگاه کراگان، مد نوعی نظام نشانه‌ای است که مفاهیم اجتماعی و فرهنگی را از طریق مصرف و بازنمایی بدن انتقال می‌دهد (33). همچنین، کاوامورا (34) مد را پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی می‌داند که نقش مهمی در بازنمایی هویت ایفا می‌کند. مد، در واقع محدود به ظاهر بیرونی نیست؛ بلکه بازتابی از باورها، ارزش‌ها و مناسبات قدرت در جامعه است و بستری برای نمایش تعلقات هویتی به شمار می‌رود (9). مطابق دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک، از جمله پیر بوردیو (35)، مد ابزاری برای تمایز طبقاتی و نمادسازی اجتماعی است؛ در حالی که نظریه‌پردازان مدرن مانند آنتونی گیدنز (36) آن را بخشی از فرایند بازآفرینی هویت در جوامع مدرن می‌دانند. به باور گیدنز، انسان مدرن از طریق مصرف مد و انتخاب سبک ظاهری، «روایت هویتی» خویش را بازنمایی می‌کند. پژوهش‌های داخلی نیز نشان می‌دهد که جوانان ایرانی از مد برای ابراز و تمایز هویت فردی و اجتماعی خود بهره می‌برند (37). در ایران، رابطه‌ی میان مد و هویت همواره تحت‌تأثیر مؤلفه‌هایی چون مذهب، قومیت و طبقه اجتماعی بوده است. پس از انقلاب اسلامی، سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه‌ی مد و لباس، به بخشی از گفتمان کلان فرهنگی کشور تبدیل شد (16، 25). در همین چارچوب، اسناد بالادستی از جمله «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، با تأکید بر خودباوری فرهنگی، بر طراحی و ترویج الگوهای بومی، اسلامی و ملی در پوشش تأکید کرده است. در بند ۲۴ سیاست‌های کلی این سند، «حمایت از مد و لباس اسلامی-ایرانی» به‌عنوان یکی از محورهای فرهنگ عمومی ذکر شده است. از این منظر، مد نه‌تنها نباید در

^۱ . Mode

تضاد با ارزش‌های دینی قرار گیرد، بلکه می‌تواند از رهگذر بازتعریف زیبایی‌شناسی ایرانی-اسلامی، به تقویت هویت ملی و فرهنگی یاری رساند. نمونه‌هایی از تحقق این هدف را می‌توان در جشنواره‌های مد و لباس فجر و طرح‌های حمایتی از طراحان جوان ایرانی-اسلامی مشاهده کرد که در چارچوب ارزش‌های دینی، آثاری خلاق و متناسب با سلیقه‌ی نسل جوان ارائه می‌دهند. در سطح بین‌المللی نیز، مفهوم «مد پوشیده» در دهه‌ی اخیر رونق یافته و در کشورهایی چون اندونزی، مالزی، امارات و ترکیه، به صورت راهبردی در تعامل با بازار جهانی توسعه یافته است (27, 28). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مد اسلامی جهانی کوششی است برای ایجاد تعادل میان زیبایی‌شناسی مدرن و ارزش‌های دینی. در این میان، ایران با پشتوانه‌ی فرهنگی و میراث هنری خود می‌تواند در بومی‌سازی مد اسلامی و ارائه‌ی الگوی هویت‌محور نقشی مؤثر ایفا کند (27).

در نتیجه، رابطه‌ی میان مد و هویت در ایران پویایی و چندوجهی دارد. «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» با تأکید بر توسعه‌ی هویت‌محور و خودباورانه، بستر نظری و اجرایی لازم برای سامان‌دهی مد در چارچوب ارزش‌های دینی و فرهنگی را فراهم می‌سازد. گسترش مد اسلامی-ایرانی می‌تواند ضمن حفظ کرامت انسانی و هویت دینی، پاسخ‌گوی نیازهای زیبایی‌شناختی و اجتماعی نسل جوان باشد.

بخش دوم: طراحی لباس و پارچه با ترکیب سنتی در قالب الگوی اسلامی ایرانی

طراحی لباس و پارچه در ایران همیشه با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و جغرافیایی آن کشور با دقت و ظرافت انجام شده است. در عصر مدرن، ترکیب سنتی طراحی لباس ایرانی با الگوی اسلامی، برای ایجاد یک هویت جدید و نوآورانه در عرصه جهانی، به یکی از موضوعات مهم و مورد توجه تبدیل شده است.

ترکیب طراحی سنتی و مدرن

یکی از مهم‌ترین مسائل در طراحی لباس اسلامی ایرانی، تلفیق میان سنت و مدرنیته است. طراحان باید به گونه‌ای عمل کنند که هم قواعد و ارزش‌های اسلامی و فرهنگی را رعایت کنند و هم لباس‌هایی زیبا و مطابق با سلیقه‌های روز ارائه دهند. طراحی لباس اسلامی ایرانی با تأکید بر ترکیب هنرهای سنتی و اصول دینی، راهکاری مؤثر برای حفظ هویت فرهنگی و مذهبی جامعه به‌شمار می‌رود. «هنر زبان گویای تمدن‌ها و وسیله‌ای برای عینی کردن فرهنگ و باورهای آنهاست. در تمدن‌های آینده بشر نیز هنر در همه مراحل شکل‌گیری، تثبیت و توسعه، نقشی حیاتی ایفا می‌کند و اگر قرار باشد نقشه راه و الگویی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ترسیم شود، توجه به پیوند عمیق پدیده‌های هنری با این تمدن، به عنوان مؤلفه‌ای تاثیرگذار و راهبردی، ضروری است (38). واقعیت این است که جوانان تمایل بیشتری به پوشش‌هایی دارند که با مد روز و جریان‌های جهانی همخوانی دارد، در حالی که برخی افراد با دیدی محافظه‌کارانه، رعایت پوشش اسلامی را الزامی می‌دانند. این تفاوت دیدگاه‌ها موجب ایجاد تنش در جامعه شده است. تلفیق طراحی مدرن با سنت‌ها در قالب الگوی اسلامی ایرانی، چالشی مهم و در عین حال فرصتی بزرگ در دنیای امروز محسوب می‌شود. در همین زمینه، رهبر معظم انقلاب اسلامی همیشه بر حفظ هویت اسلامی و ایرانی به ویژه در حوزه‌های هنر و معماری تأکید کرده‌اند. ایشان معتقدند باید رابطه‌ای تعاملی میان مدرنیته و سنت‌های اصیل اسلامی و ایرانی برقرار کرد که نه تنها به نابودی هویت فرهنگی منجر نشود، بلکه موجب احیای آن نیز گردد.

¹ . Modest Fashion

رعایت موازین و الگوریتم‌های اسلامی در لباس‌ها

در این زمینه، الگوریتم‌ها و معیارهای کلی برای انتخاب پوشش اسلامی شامل موارد زیر است: ۱. رعایت حداقل پوشش واجب برای مردان و زنان؛ ۲. اجتناب از لباس‌های جلب توجه‌کننده و غیرمتمعارف؛ ۳. خودداری از تقلید فرهنگ‌هایی که با ارزش‌های اسلامی ناسازگارند؛ ۴. انتخاب پوششی متناسب با عرف جامعه اسلامی و جایگاه فرد؛ ۵. توجه به رنگ، طرح و جنس لباس به گونه‌ای که ایجاد فساد یا تحریک نکند» (39). الگوهای اسلامی، به‌ویژه در حوزه پوشش، بر عفت و پوشیدگی تأکید دارند که در طراحی پوشاک ایرانی همواره یکی از اصول مهم بوده است. پوشش‌های کامل، شال‌ها و روسری‌های رنگی با طرح‌های هنری و زیبا، نمونه‌هایی از لباس‌های ایرانی‌اند که به طور سنتی با الگوی اسلامی همخوانی دارند. این طراحی‌ها معمولاً از نقوش هندسی ساده یا پیچیده که در هنر ایرانی و اسلامی بسیار رایج هستند، الهام می‌گیرند. امروزه بسیاری از طراحان ایرانی در پی آنند که با تکیه بر اصول اسلامی و ایرانی، طرح‌های نوین و هماهنگ با مد جهانی ارائه دهند. این طراحان با تلفیق هنرهای اسلامی- ایرانی مانند خوشنویسی، معماری و نقوش سنتی با فنون جدید، آثاری خلق کرده‌اند که هم ساده و اصیل‌اند و هم برای مخاطبان جهانی جذاب هستند. همچنین این پوشاک علاوه بر زیبایی، می‌تواند پیام فرهنگی و دینی را نیز به جامعه منتقل کند.

طراحی الگوی پوششی (مدل سحر و مدل ماه باغ)

الگوی طراحی «سحر» به‌عنوان نمادی از پوشش اصیل ایرانی-اسلامی، با سه هدف اصلی «حفظ حجاب»، «احیای هویت ملی» و «توسعه اقتصادی» شکل گرفته است. این الگو با بهره‌گیری از نقوش سنتی مانند گل و مرغ و اسلیمی، به بازتعریف زیبایی‌شناسی بومی می‌پردازد (40). استفاده از پارچه‌های طبیعی تولید داخل و صنایع دستی مناطق مختلف ایران از جمله گلدوزی ترکمن و قشقایی، در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار است (29). طراحی کاربردی با ویژگی‌هایی مانند یقه‌های ایستاده و جیب‌های مخفی، پاسخگوی نیازهای بانوان در عین حفظ شئون اسلامی است. این الگو نشان می‌دهد چگونه می‌توان با تلفیق سنت و مدرنیته، به تولید کالایی با هویت دست یافت که هم‌زمان قابلیت حضور در بازارهای جهانی را دارد (41).

همچنین مورد بعدی هم الگوی ماه باغ؛ که الگوی «ماه باغ» در طراحی پوشش، با بازتعریف حجاب به عنوان یک «حریم متعالی و زیبا»، رویکردی نوین به پوشش زن مسلمان ارائه می‌دهد. این الگو که ریشه در مفاهیم عمیق عرفان ایرانی-اسلامی دارد، بر ظرافت، معنویت و رازآلودگی به جای نمایش آشکار تأکید می‌کند (42). مهم‌ترین فواید این الگو عبارتند از:

۱. ارتقای زیبایی‌شناسی معنوی: با استفاده از رنگ‌های ملایم و تزیینات غیربرجسته، به زیبایی به عنوان امری درونی و متعالی می‌نگرد.
۲. خلق هویت بصری منحصر به فرد: با تلفیق معماری اسلامی و نقوش اسلیمی، هویتی مستقل از مدهای غربی ایجاد می‌کند.
۳. تقویت اقتصاد خلاق: با بهره‌گیری از هنرهای سنتی مانند ملیده‌دوزی و قلابدوزی، به توسعه پایدار صنایع دستی کمک می‌کند.
۴. القای آرامش روانی: پالت رنگی ملایم و پارچه‌های سیال، حس آرامش و تعادل روانی برای پوشنده و بیننده ایجاد می‌کند. این الگو نشان می‌دهد که پوشش می‌تواند هم‌زمان حفظ‌کننده ارزش‌ها و پیشبرنده هنر و اقتصاد ملی باشد (43, 44).

جدول ۱. مزیت‌های الگوی لباس ایرانی

مزیت	توضیح
هویت ملی	بهره‌گیری از نمادهای فرهنگی
هماهنگ با شرع	رعایت کامل حدود شرعی
زیبا و جذاب	متناسب با سلیقه نسل جوان
اقتصادی	حمایت از تولید ملی و صنایع دستی
کاربردی	مناسب برای موقعیت‌های مختلف



شکل ۱. طراحی مفهومی از مدل «سحر» که مانتویی بلند و ایرانی-اسلامی با یقه سنتی و نقوش گل و مرغ

تجلی الگوی مدل سحر در طراحی پوشاک

فواید لباس و طراحی مشخصات طراحی لباس مجلسی مدل «سحر»، به شیوه سنتی و با استفاده از طرح‌های سنتی بدین صورت می‌باشد:

۱. حفظ حجاب کامل همراه با زیبایی و وقار

پوشش کامل بدن و مو در عین داشتن طرح و رنگ‌های ایرانی اصیل

ترکیب سنت و سلیقه‌ی مدرن در طراحی مانتو و روسری

۲. احیای هنر و هویت ایرانی

استفاده از نقوش گل و مرغ و اسلیمی در گلدوزی و حاشیه‌دوزی‌ها

ترویج فرهنگ پوشش ملی و معرفی آن به نسل جوان

۳. حمایت از تولید داخلی و صنایع دستی

کاربرد پارچه‌های طبیعی و تولید داخل (نخی، کتان، ابریشم ایرانی)

گلدوزی‌های دستی و هنرمندانه از مناطق مختلف ایران (ترکمن، بلوچ، قشقایی)

۴. راحتی و کارآمدی

طراحی آزاد و سبک مناسب برای محیط‌های رسمی، دانشگاهی و روزمره
یقه‌های ایستاده و آستین‌های میچ‌دار که از لحاظ شرعی و کاربردی مناسب‌اند
استفاده از جیب‌های مخفی برای راحتی در کارهای روزمره

۵. ایجاد حس افتخار و اعتماد به نفس در بانوان

ایجاد وقار و شخصیت اجتماعی در عین زیبایی
لباسی متناسب با شأن زن مسلمان ایرانی در محافل داخلی و بین‌المللی

۶. قابلیت تنوع در رنگ و طرح

امکان ارائه در رنگ‌های متنوع بر اساس فصول (لاجوردی، زرشکی، فیروزه‌ای)
قابلیت سفارش با نقوش و طرح‌های اختصاصی

این نوع طراحی پوشش، هم حافظ حجاب و ارزش‌های اسلامی است، هم یک نماد از اصالت و فرهنگ ایرانی و هم پاسخی مناسب به نیازهای بانوان امروزی برای زیبایی، راحتی و کاربرد هم‌زمان.

جدول ۲. مشخصات مدل سحر

رده‌بندی	مشخصات و فواید مدل سحر	توضیحات مدل سحر
۱. حجاب و زیبایی	حفظ حجاب کامل همراه با زیبایی و وقار	پوشش کامل بدن و مو در عین بهره‌گیری از طرح و رنگ‌های اصیل ایرانی. ترکیب هوشمندانه سنت و سلیقه مدرن در طراحی مانتو و روسری.
۲. هویت و فرهنگ	احیای هنر و هویت ایرانی	استفاده از نقوش اصیل مانند گل و مرغ و اسلیمی در گلدوزی و حاشیه‌دوزی ترویج فرهنگ پوشش ملی و معرفی آن به نسل جوان.
۳. اقتصاد و حمایت از تولید	حمایت از تولید داخلی و صنایع دستی	استفاده از پارچه‌های طبیعی و تولید داخل (نخی، کتان، ابریشم ایرانی). به کارگیری گلدوزی‌های دستی مناطق مختلف (ترکمن، بلوچ، قشقایی).
۴. کاربری و راحتی	راحتی و کارآمدی در استفاده روزمره	طراحی آزاد و سبک برای محیط‌های رسمی، دانشگاهی و روزمره. طراحی یقه‌های ایستاده و آستین‌های میچ‌دار مطابق با شئون شرعی و کاربردی. تعبیه جیب‌های مخفی برای راحتی بیشتر.
۵. حس و روان‌شناسی	ایجاد حس افتخار و اعتماد به نفس در بانوان	ایجاد وقار و شخصیت اجتماعی در عین زیبایی. ارائه لباسی متناسب با شأن زن مسلمان ایرانی در محافل داخلی و بین‌المللی.
۶. تنوع و انعطاف	قابلیت تنوع در رنگ و طرح	ارائه در رنگ‌های متنوع فصلی (لاجوردی، زرشکی، فیروزه‌ای). قابلیت سفارشی‌سازی با نقوش و طرح‌های اختصاصی.
جمع‌بندی نهایی	پاسخی سه‌گانه به نیازهای معاصر	این طراحی پوشش، به طور همزمان: حافظ حجاب و ارزش‌های اسلامی است. نمادی از اصالت و فرهنگ ایرانی است. پاسخی مناسب به نیازهای بانوان امروز (زیبایی، راحتی، کاربرد) است.

تجلی الگوی «ماه باغ» در طراحی پوشاک



شکل ۲. الگوی «ماه باغ»، (لباس ایرانی-اسلامی)



شکل ۳. الگوی "ماه باغ" - تلفیق اصالت و معاصرت (لباس مجلسی ایرانی-اسلامی)

مشخصات طراحی لباس مجلسی مدل «ماه باغ»: الهام گرفته از: معماری اسلامی ایرانی (گنبدها و نقوش اسلیمی)
نگارگری مکتب اصفهان؛ فلسفه وحدت در کثرت بر اساس مبانی نظری تزئین در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک الگوی لباس بانوان با مشخصات زیر طراحی می‌شود:

سیلوئت: راسته با حجم‌های موزون و محجبه، ترکیبی از طرح‌های سنتی و خطوط مدرن؛

یقه: یقه گرد با تزئینات ملبله‌دوزی اسلیمی

آستین: سه‌چهارم با طرح لبه‌دار و نقوش بنیائیک

تزئینات: حاشیه‌دوزی با نقوش "پروانه" و "سرو" به نشانه تعالی و روحانیت؛ ترکیب دوخت سنتی (قلاب‌دوزی اصفهان) با تکنیک‌های مدرن

رنگ‌مایه: فیروزه‌ای، لاجوردی و طلایی بر اساس نقوش کاشیکاری‌های اسلامی

مصالح: پارچه نخی با بافت سنتی (دارایی)؛ ابریشم طبیعی برای بخش‌های تزئینی

ویژگی‌های هویتی: بهره‌گیری از تنپوش‌های تاریخی ایران با بازخوانی معاصر؛ رعایت حجاب به مثابه حریم‌داری متعالی

کاربرد هنرهای سنتی در جهت توسعه اقتصادی: این طراحی ضمن پاسداشت ارزش‌های بومی، قابلیت تولید انبوه و حضور در بازارهای جهانی را داراست.

مدل «ماه‌باغ» تنها یک لباس نیست، بلکه بیانیه‌ای هنری و هویتی است. این طراحی با الهام از زیباترین مفاهیم فرهنگی (از جمله خود ایده ماه‌باغ)، موفق شده

است حجاب را به عنوان یک "فضای زیبا، رازآلود و متعالی" بازتعریف کند که در آن، بانوی ایرانی همچون ماه، در باغ وجودش می‌درخشد. این اثر، نمونه‌ای

موفق از پیاده‌سازی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در عرصه مد و پوشش است.

جدول ۳. توضیحات و نمادشناسی مدل

بخش طراحی	مشخصات فنی و هنری	توضیحات و نمادشناسی
منبع الهام	معماری اسلامی-ایرانی (گنبدها، نقوش اسلیمی)، نگارگری مکتب اصفهان، فلسفه "وحدت در کثرت" و مفهوم نمادین «ماه‌باغ» ایده «حریم دلنشین و رازآلود»	تلفیق هنرهای سنتی با نگرش مدرن بر اساس مبانی نظری تزئین در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. مفهوم ماه‌باغ بر ایجاد جلوه‌ای روحانی، متعالی و محجوبانه تأکید دارد.
سیلوئت	راسته، با حجم‌های موزون و محجبه؛ ترکیبی از طرح‌های سنتی و خطوط مدرن	این سیلوئت، هم یادآور تنپوش‌های تاریخی است و هم با خطوط ساده و مدرن، بیان معاصر دارد. حجم‌های موزون، تداعی‌گر گنبدها و فضای معماری ایرانی است.
یقه	یقه گرد با تزئینات ملبله‌دوزی اسلیمی	یقه گرد به عنوان قابی برای صورت، با تزئینات ظریف اسلیمی، مانند پنجره‌ای در یک "ماه‌باغ" بر گردن می‌درخشد.
آستین	آستین سه‌چهارم با طرح لبه‌دار و نقوش "بنیانیک"	این طراحی، هم elegant و هم کاربردی است. نقوش بنیانیک (ریشه‌دار) نماد استمرار، رشد و پیوند با اصالت فرهنگی است.
تزئینات	حاشیه‌دوزی با نقوش "پروانه" و "سرو"؛ ترکیب دوخت سنتی (قلاب‌دوزی اصفهان) با تکنیک‌های مدرن	پروانه: نماد عشق، شیدایی و سیر به سوی کمال (نور حقیقت). سرو: نماد آزادگی، ایستادگی و روحانیت. این تلفیق، همان "وحدت در کثرت" را در نقش‌پردازی نشان می‌دهد.
رنگ‌مایه	فیروزه‌ای، لاجوردی و طلایی	الهام‌گرفته از رنگ‌های کاشیکاری‌های اسلامی. فیروزه‌ای: آسمانی و معنوی. لاجوردی: حکمت و عمق. طلایی: نور، تقدس و شکوه. این پالت، درخشندگی یک باغ زیر نور ماه را تداعی می‌کند.
مصالح	پارچه نخی با بافت سنتی (دارایی)؛ ابریشم طبیعی برای بخش‌های تزئینی	پارچه "دارایی" اصالت و خنکی دارد. ابریشم طبیعی، درخشش و لطافتی همچون "نور ماه" بر روی پارچه اصلی ایجاد می‌کند و حس لوکس و طبیعی بودن را تقویت می‌نماید.
ویژگی‌های هویتی	۱. بهره‌گیری از تنپوش‌های تاریخی ایران با بازخوانی معاصر ۲. رعایت حجاب به مثابه "حریم‌داری متعالی" مفهوم کلیدی ماه‌باغ) ۳. کاربرد هنرهای سنتی در جهت توسعه اقتصادی	این طراحی، حجاب را نه یک محدودیت، که یک "حریم دلنشین و معنوی" می‌داند که به زن به عنوان گوهری در صدف می‌نگرد. احیای هنرهای سنتی، به توسعه پایدار و معرفی فرهنگ ایرانی در بازارهای جهانی کمک می‌کند.
قابلیت‌های اقتصادی	این طراحی ضمن پاسداشت ارزش‌های بومی، قابلیت تولید انبوه و حضور در بازارهای جهانی را داراست.	تلفیق هوشمندانه سنت و مدرنیته، این محصول را برای مخاطبان داخلی و بین‌المللی که به دنبال کالاهای با هویت، اصیل و دارای داستان هستند، جذاب می‌سازد.

تجلی الگوی ماه باغ در طراحی پوشاک

این فلسفه در طراحی لباس‌های مدرن اسلامی-ایرانی نیز دیده می‌شود: رنگ‌ها: استفاده از رنگ‌های ملایم و عمیق مانند فیروزه‌ای، یشمی، سرمه‌ای، بژ، سفید و طلایی که یادآور آسمان شب، ماه و ستارگان هستند. پارچه‌ها نیز با استفاده از پارچه‌های سیال و روان مانند ابریشم، کرپ و چاپ‌های ظریف که حرکتی موزون و "سایه‌وار" دارند. تزئینات آن با استفاده از تزئینات غیربرجسته و ظریف مانند گلدوزی‌های سفید روی سفید، منجوق‌دوزی‌های ریز و سنگ‌های کم‌رنگ که در نور، درخششی ملایم مانند مهتاب دارند. طرح‌ها نیز استفاده از طرح‌های انتزاعی گیاهی (اسلیمی) و هندسی که یادآور طرح‌های باغ‌های ایرانی است. «پالت رنگی در الگوی «ماه‌باغ» بر اساس مطالعه نمادشناسی رنگ در هنر اسلامی-ایرانی و روان‌شناسی ادراک بصری شکل گرفته است. این رنگ‌ها به‌طور نظام‌مند به سه لایه تقسیم می‌شوند:

۱. لایه پایه (عمق شب):

سرمه‌ای و نیلی: نماد آسمان شب و بینهایت، متضمن مفاهیم حکمت و ژرفا در فلسفه اسلامی (42)

یشمی: تجلی زمین و طبیعت در شب، نشانه آرامش و توازن (43, 44)

۲. لایه میانی (نور ماه):

فیروزه‌ای: رنگ آسمان در شفق و فلق، پیونددهنده زمین و آسمان، نماد بهشت در معماری ایرانی (45)

بژ و صدفی: بازتاب غیرمستقیم نور ماه، ایجاد حس گرما و ملایمت (46)

۳. لایه تأکیدی (ستارگان):

طلایی: نماد نور الهی و عقل فعال در حکمت اشراق (47)

سفید مرواریدی: تجلی خلوص و یکتایی، بازتاب‌دهنده تمام طیف‌های نور (25).

استفاده می‌شود. پارچه‌های سیال و روان، حرکتی موزون و «سایه‌وار» ایجاد می‌کنند و تزئینات غیربرجسته‌ای مانند گلدوزی سفید روی سفید، درخششی ملایم و مهتاب‌گونه دارند. هدف نهایی، تجلی‌بخشی به این مفهوم است که زن، همچون ماه، نوری آرام و آرامش‌بخش دارد که نیاز به نمایشی خیره‌کننده ندارد. این نگرش، ریشه در عمیق‌ترین مفاهیم هنر و عرفان ایرانی-اسلامی دارد و پوشش را به یک «سبک زندگی» و «هنر بودن» ارتقا می‌دهد.

درواقع، الگوی «ماه باغ» در طراحی پوشاک، حجاب را نه به عنوان یک محدودیت، بلکه به مثابه یک «حریم متعالی و زیبا» بازتعریف می‌کند. این الگو با الهام از استعاره باغی در شب زیر نور ماه، به دنبال خلق زیبایی‌ای ظریف، رازآلود و معنوی است. در این طراحی، از رنگ‌های ملایم و عمیق مانند فیروزه‌ای و سرمه‌ای برای تداعی آسمان شب، و از سفید و طلایی برای بازتاب نور ماه و ستارگان.

این ترکیب رنگی با ایجاد کنتراست ملایم^۱ موجب کاهش فشار بصری و القای آرامش می‌شود. سیر تدریجی رنگ‌ها از تیره به روشن، تداعی‌گر حرکت از ظلمت به نور و گذر از حجاب به شهود است که در فلسفه اسلامی به «سیر از کثرت به وحدت» تعبیر می‌شود.

^۱ . Low Contrast

جدول ۴. المان‌ها و ویژگی‌های ماه‌باغ

المان طراحی	ویژگی‌ها	تجلی فلسفه "ماه‌باغ"
فلسفه کلان	حجاب به مثابه یک "حریم مقدس" برای شکوفایی زیبایی درونی. زیبایی در ظرافت، پوشش، یک «سبک زندگی» و «هنر بودن» است که ریشه در رازآلودگی و معنویت است. زن، موجودی نورانی و آرامش‌بخش مانند ماه. عمیق‌ترین مفاهیم هنر و عرفان ایرانی-اسلامی دارد.	
رنگ‌ها	فیروزه‌ای، یشمی، سرمه‌ای، بژ، سفید، طلایی	یادآور آسمان شب، ماه و ستارگان؛ ایجاد حس آرامش، عمق و روحانیت.
پارچه‌ها	ابریشم، کرپ و چاپ‌های ظریف با بافت سیال و روان	ایجاد حرکت موزون و "سایه‌وار"؛ تقلید از نرمش باد در شب و بازی نور و سایه در باغ.
تزئینات	گلدوزی سفید روی سفید، منجوق‌دوزی ریز، سنگ‌های کم‌رنگ	غیربرجسته و ظریف با درخششی ملایم و مهتاب‌گونه؛ زیبایی که فریاد نمی‌زند بلکه نجوا می‌کند.
طرح‌ها	طرح‌های انتزاعی گیاهی (اسلیمی) و هندسی	یادآور طرح‌های باغ‌های ایرانی؛ پیوند با نظم کیهانی، طبیعت و معماری اصیل.

ارتباط مفهوم ماه‌باغ و سحر با پوشش اسلامی-ایرانی

این استعاره به صورت بسیار ظریفی برای توصیف فلسفه و زیبایی‌شناسی حجاب و پوشش زن مسلمان ایرانی به کار می‌رود: زن، همچون یک "ماه‌باغ" است: و در آن عنصر ماه‌باغ، ترجمه استعاری در پوشش می‌باشد بدین نحو که نور ملایم ماه می‌باشد و حضور معنوی و آرامش‌بخش زن نیز، منبع نورانیت و آرامش است، اما این نور مانند نور خورشید تند و خیره‌کننده نیست. بلکه مانند نور ماه، ملایم، غیرمستقیم و جذاب است.

دیوارهای باغ را می‌توان بسان حجاب و پوشش در نظر گرفت و همان‌طور که دیوارهای باغ، حریم خصوصی و فضای امنی ایجاد می‌کنند، حجاب نیز به عنوان یک حریم مقدس عمل می‌کند که گوهر وجودی زن را محافظت می‌کند.

لایه‌های سایه و نور نماد پوشش لایه‌ای و سیال مانند سایه‌بازی در باغ، که این مورد هم در پوشش می‌تواند شامل لایه‌های مختلف (مانند مانتو، شال، روسری) باشد که با حرکتی سیال و زیبا، همواره در حال تغییر و ایجاد ترکیب‌بندی‌های جدید است.

گل‌های سفید معطر، زیبایی پاک و باطنی و زیبایی واقعی، مانند عطر گل‌های سفید، پاک، ظریف و قابل درک برای کسانی است که به حریم باغ وارد می‌شوند (محارم). این زیبایی، درونی و اخلاقی است.

آب‌نما و بازتاب آن هم جلوه‌های ظریف شخصیت را نشان می‌دهد و همان‌طور که آب، نور ماه را به آرامی بازمی‌تاباند، یک زن با پوشش اسلامی-ایرانی، زیبایی‌های شخصیت، هوش، خلاقیت و معنویت خود را به گونه‌ای ظریف و غیرمستقیم به نمایش می‌گذارد.

فضای رازآلود، نماد کرامت و احترام زن می‌باشد و همان‌طور که ماه‌باغ به دلیل رازآلود بودن احترام‌برانگیز است، پوشش کامل نیز برای زن، کرامت و احترام عمیقی به ارمغان می‌آورد و او را از "شیء‌وارگی" مصون می‌دارد.

همچنین، الگوهای «ماه‌باغ» و «سحر» به عنوان نمونه‌های عینی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در عرصه مد عمل می‌کنند. «ماه‌باغ» با تأکید بر معنویت و زیبایی‌شناسی رازآلود، و «سحر» با محوریت هویت‌سازی و اقتصاد مقاومتی، هر دو در راستای اهداف این الگو حرکت می‌کنند. ماه‌باغ با بازتعریف حجاب به

عنوان «حریم متعالی»، مفاهیم عمیق عرفانی را در طراحی تلفیق می‌کند و پیشرفت فرهنگی را نشان می‌دهد. سحر با احیای صنایع دستی، استفاده از پارچه‌های داخلی و تقویت تولید ملی، به پیشرفت اقتصادی درون‌زا کمک می‌کند. هر دو الگو، با دوری از تقلید صرف از مدل‌های غربی و با اتکا به منابع بومی، استقلال فرهنگی و اقتصادی را محقق ساخته و الگویی کاربردی از «توسعه پایدار» مبتنی بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی ارائه می‌دهند.

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج تحقیق حاضر، می‌توان گفت یافته‌ها با پژوهش‌های شب‌دیز و حسن‌زاده در موضوع حجاب و عفاف در طراحی لباس، همسو هستند. همچنین با پژوهش نظریه‌پرداز دربارۀ عوامل نهادینه‌سازی فرهنگ پوشش و حجاب اسلامی در میان دانش‌آموزان همخوانی دارد. این یافته‌ها با تحقیقات بهجت‌پور و احمدی بیغش دربارۀ سیاست‌گذاری قرآن کریم در عفاف و حجاب نیز مطابقت دارد. همچنین با پژوهش ستایش صفائی و حسین‌نژاد دربارۀ رنگ‌شناسی و تغییر فرم در دیزاین پوشاک زرتشتیان دوره اسلامی ایران سازگار است. نتایج با پژوهش زارع مهدیه دربارۀ فلسفۀ پوشش و عفاف در فرهنگ اسلامی و طراحی مانتوهای زنانه همخوان است. همچنین با پژوهش شجاعی و همکاران در مورد نقش رنگ در پوشش اسلامی و نگاه به قرآن و روایات تطابق دارد. یافته‌های پژوهش با نتایج زارع و شادفروزی دربارۀ هویت ایرانی-اسلامی در طراحی پارچه پوشاک زنان (مطالعه جشنواره‌های مد فجر ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵) نیز هماهنگ است. همین‌طور با پژوهش موسوی و همکاران دربارۀ تأثیر انقلاب اسلامی بر پوشش زنان جوان از سال ۱۳۵۷ تا دهه ۸۰ نیز منطبق است.

این الگوها، الگوی «سحر» و «ماه‌باغ» در پوشش اسلامی-ایرانی، یک فلسفۀ زیبایی‌شناختی عمیق است که: حجاب را نه یک محدودیت، بلکه یک «حریم مقدس» برای شکوفایی زیبایی‌های درونی می‌داند. زیبایی را نه در نمایش تمام‌عیار، بلکه در ظرافت، رازآلودگی و معنویت جست‌جو می‌کند. زن را به عنوان موجودی نورانی و آرامش‌بخش می‌ستاید که مانند ماه، نورش را بدون آنکه خیره‌کننده باشد، بر جهان می‌پاشد. این استعاره زیبا، نشان می‌دهد که پوشش اسلامی-ایرانی، ریشه در عمیق‌ترین مفاهیم هنر و عرفان این سرزمین دارد و یک «سبک زندگی» و «هنر بودن» است.

بنابراین، همان‌طور که ملاحظه شد، هر سه مدل (سحر، نگار، ماه‌رخ) همسو با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است؛ بهره‌مند از هنر و فرهنگ ملی، پاسخگوی نیازهای بانوان معاصر، حمایت‌کننده تولید ملی و صنایع دستی، حفظ‌کننده وقار و عزت زن مسلمان ایرانی. پوشش زنان در این الگو نه فقط نمادی دینی و اخلاقی، بلکه ابزاری برای تقویت هویت فرهنگی و ملی، حفظ استحکام خانواده و ایجاد فضایی سالم و امن در جامعه است. این الگو با تأکید بر حفظ حجاب، در مسیر توسعه جامعه‌ای سالم و مقاوم حرکت می‌کند که ارزش‌های اسلامی-ایرانی را به عنوان رکن اصلی پیشرفت می‌شناسد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

The issue of women's dress in contemporary Iranian society has become a central cultural and civilizational concern, particularly in light of intensified global communication, the expansion of transnational media, and the growing influence of Western lifestyle patterns on local forms of identity. Scholars have increasingly emphasized that clothing functions not merely as a utilitarian necessity, but as a symbolic and semiotic system through which societies articulate values, norms, and collective self-understandings. In Iran, this symbolic dimension of dress has undergone significant transformation, especially among younger generations, where hybrid forms of attire reveal ongoing negotiations between tradition and modernity, religious obligation and individual preference. Previous research indicates that the growing presence of foreign cultural models has altered dress styles in Iranian society, sometimes leading to identity confusion and the simultaneous use of traditional and modern elements (1). From a cultural-historical perspective, dress within Iranian-Islamic civilization has consistently been regarded as an extension of moral order, national belonging, and aesthetic expression rather than a purely personal choice (2). Within this context, the Iranian-Islamic Model of Progress emphasizes the preservation of religious and national identity while engaging constructively with modern conditions, thereby offering a comprehensive intellectual framework for rethinking women's dress in a way that transcends reductive binaries between tradition and modernity (21, 22). Accordingly, the present study situates itself within this broader civilizational discourse and addresses the need for a coherent, indigenous, and value-oriented model of women's dress that aligns cultural heritage, Islamic ethics, and contemporary social realities.

Methodologically, the study adopts a qualitative documentary approach grounded in systematic content analysis and analytical-comparative reasoning. Data were collected through extensive review and note-taking from classical and contemporary sources spanning Islamic jurisprudence, cultural studies, fashion theory, art history, and sociology. This approach enabled the reconstruction of the conceptual foundations of Iranian-Islamic dress through key notions such as modesty (*hayā'*), chastity (*'iffa*), national identity, and aesthetics. Prior scholarship emphasizes that Islamic dress cannot be reduced to external form alone, but must be understood as a multidimensional phenomenon encompassing ethical self-regulation, symbolic boundaries, and social meaning (39). At the same time, sociological analyses conceptualize fashion as a system of signs through which individuals negotiate belonging, distinction, and modern self-identity (35, 36). The analytical framework developed in

this study integrates these perspectives, allowing religious norms to coexist with aesthetic creativity and socio-economic considerations. Furthermore, the Iranian–Islamic Model of Progress conceptualizes culture as operating across three interrelated levels—material manifestations, social norms, and foundational beliefs—thus positioning dress as both a visible cultural artifact and a carrier of deeper value systems (23, 24). This multidimensional framework enables a holistic understanding of women’s dress as a site where ethical, symbolic, and practical dimensions converge.

The findings of the study demonstrate that Iranian–Islamic dress, when conceptualized within the Iranian–Islamic Model of Progress, should be understood as a dynamic synthesis of ethical principles, cultural symbolism, and functional design. Rather than framing hijab as a restrictive or merely regulatory mechanism, the study shows that it can be reinterpreted as a form of elevated spatiality—a meaningful boundary that protects dignity while enabling active social participation (42). The analysis further reveals that traditional Iranian arts, including tilework, stucco decoration, miniature painting, and historical weaving, possess rich visual grammars capable of informing contemporary clothing design without lapsing into nostalgic imitation. Previous studies confirm that symbolic motifs embedded in Iranian visual culture have historically functioned as carriers of metaphysical meaning and collective memory, rendering them particularly suitable for identity-oriented fashion design (40, 45). By translating these motifs into modern silhouettes, fabrics, and color palettes, designers can produce garments that resonate with contemporary tastes while remaining anchored in cultural authenticity. This approach supports scholarly arguments that the intelligent integration of traditional and modern elements can facilitate the reconstruction of cultural identity in the face of globalization (9, 10).

A major contribution of the study lies in the conceptual development of two indigenous design models—referred to as the “Sahar” model and the “Garden Moon” model—each representing a distinct yet complementary pathway for Iranian–Islamic women’s dress. The Sahar model emphasizes national identity formation, economic sustainability, and practical functionality through the use of locally produced textiles, traditional embroidery techniques, and adaptable garment structures suitable for daily, academic, and formal contexts (29, 41). This model aligns closely with the principles of endogenous development and resistance economy embedded within the Iranian–Islamic Model of Progress. In contrast, the Garden Moon model draws upon Iranian–Islamic mystical symbolism and aesthetic philosophy, redefining hijab as a serene, layered, and luminous space characterized by subtle color harmonies, fluid fabrics, and restrained ornamentation (42-44). Both models embody the principle of “unity in multiplicity,” a foundational concept in Iranian–Islamic thought, wherein diversity of form is harmonized through shared ethical and symbolic meaning (47). Empirical and theoretical studies reviewed in the article support the argument that such integrative approaches are more likely to achieve cultural sustainability and social acceptance than rigid or purely prescriptive dress codes (16, 18).

The discussion situates these models within broader national and international debates on fashion, identity, and cultural policy. Contemporary scholarship increasingly recognizes “modest fashion” as an expanding global field that negotiates religious values, aesthetics, and market dynamics, particularly in Muslim-majority societies. However, the study argues that Iranian engagement with this field must avoid superficial imitation of global trends and instead prioritize endogenous creativity grounded in Iran’s civilizational resources (27). National research further demonstrates that women’s dress plays a decisive role in social cohesion, cultural confidence, and psychological well-being, especially among younger generations navigating competing value systems (5, 37). By aligning fashion design with the Iranian–Islamic Model of Progress, cultural policymakers and designers can transform dress from a site of social tension into a medium of symbolic integration, creative economic

development, and ethical representation. The study thus highlights the strategic role of clothing in reinforcing cultural sovereignty and promoting sustainable development within a value-based framework (26, 28).

In conclusion, the study demonstrates that developing an Iranian-Islamic model of women's dress is neither a purely aesthetic endeavor nor a solely normative project, but rather a multidimensional cultural strategy integrating ethics, identity, art, and social functionality. Through the articulation of the Sahar and Garden Moon models, the research illustrates how women's dress can simultaneously preserve religious values, revitalize cultural heritage, support national production, and respond creatively to contemporary needs. Hijab is thereby reimagined not as a limitation but as a meaningful and dignified space that enhances women's cultural agency and social participation. Ultimately, the proposed framework shows how clothing can serve as a tangible manifestation of Iranian-Islamic progress by harmonizing tradition and modernity within a coherent civilizational vision.

References

- Munesi Sorkheh M. Dress and Identity: Dimensions of Cultural Identity in Iranian Clothing. *Art Manifestation Journal*. 2017(17):107-19.
- Haddad 'Adel GA. *The Culture of Nudity and Cultural Nudity*. Tehran: Surush Publications; 1989.
- Yasini SR. Traditional Women's Clothing in the Cultural Geography of Iran. *Culture and Communication Studies*. 2014;17(33).
- Saidi AA. The Social Meaning of Dressing. *Akhbar-e Iran Magazine*. 2013(58):45-60.
- Honardust A, Karimabadi S. Economic Study of the Hijab Commodity Using the ADIS Model. *Woman in Development and Politics*. 2023;21(1):255-73.
- Kazemi SAA. *The Crisis of Modern Society*. Tehran: Islamic Culture Publishing Office; 1998.
- Shari'ati A. *Sociology and Religion*. Tehran: Amir Kabir Publications; 2011.
- Karimi F. *Cultural Transformations and Lifestyle*. Tehran: Nur Publications; 2013.
- Haqiqatyan M, Sarnezhad 'Ali Z, editors. Factors Affecting the Category of Fashion, with Emphasis on the Use of Cyberspace. *The 4th Conference on the Iranian-Islamic Model of Progress: Iran's Progress; Past, Present, Future*; 2015.
- Matin P. *The Clothing of Iranians*. Tehran: Cultural Research Office; 2004.
- Rah Shabdeez R, Hasan Zadeh Z, editors. Hijab and 'Ifaf in the Art of Fashion Design. *The 1st International Conference on Artificial Intelligence in Education, Psychology, Educational Sciences, and Religious, Cultural, Social, and Managerial Studies in the Third Millennium*; 2025; Bushehr.
- Nazarpur M, editor Investigating the Most Important Trends and Effective Factors in Institutionalizing the Culture of Covering and Hijab. *The 3rd National Conference on Family and School Studies*; 2024; Bandar Abbas.
- Behjatpur A, Ahmadi Beyghash K. The Policies of the Holy Quran in the Socialization of Chastity and Veiling. 2024;4(4, Serial 16):142-71.
- Zare' Mahzhabiyyeh A, editor Investigating and Understanding the Philosophy of Covering and Chastity in Islamic Culture with an Aesthetic Approach in Women's Mantoux Design. *The 3rd National Conference on Wisdom and Governance - Art and Media*; 2024.
- Shahi M, editor *The Successful Covering Model for Iranian Girls*. *The 1st National Conference on Humanities with a New Approach*; 2024; Astara.
- Mehrbani Far H. Analysis of the Foundations and Principles of Islamic-Iranian Dressing Style Based on Quranic Verses and Hadiths; From the Worldview Dimension to the Normative Dimension. 2024;20(Serial 38):209-35.
- Shuja'i R, Samani L, Meftahi A, Dawlati H, editors. The Role of Color in Islamic Dress with an Overview of the Holy Quran and Narrations. *The 1st National Conference on Textiles, Apparel and Fabric Design in the New Iranian-Islamic Civilization with Emphasis on Women's Attire (Modafarin)*; 2021.
- Zare M, Shadfazvini P, editors. Investigating Iranian-Islamic Identity in the Fabric Design of Women's Clothing (Case Study: Works from the Fajr International Fashion and Apparel Festivals from 2011 to 2016). *The 1st National Conference on Textiles, Apparel and Fabric Design in the New Iranian-Islamic Civilization with Emphasis on Women's Attire (Modafarin)*; 2021; Tehran.
- Musawi F, Sayyedi SA, Ardakani R, editors. Investigating the Impact of the Islamic Revolution on the Dress of Young Women from 1978 to the 2000s. *The 1st National Conference on Apparel, Fabric Design, and Dress*; 2020; Shiraz.
- Musawi H, Hoseini SAR, Karimi M. Investigating the Impact of Economic and Social Factors on the Tendency towards Islamic Dress in Iran. *Iranian Cultural Studies Quarterly*. 2020;15(2):45-62.
- Rahimi M. Investigating the Role of Hijab in the Social Identity Construction of Women. *Islamic and Cultural Studies Quarterly*. 2014(3).
- Shari'ati H. *Investigating the Iranian-Islamic Model of Progress*. Tehran: University of Tehran Publications; 2020.
- Nazemi Ardakani M. Conceptology of Culture Engineering and National Cultural Engineering. *Mesbah Journal*. 2008(75):85-116.

24. Nasiri SJ. Theoretical Foundations of Social Justice in Iran. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute; 2017.
25. Mo'ini Dini F. Color Symbolism in Mystical Texts. *Fine Arts Quarterly*. 2019;24(3):151-62.
26. Ali Ahmadi AR. Preliminary Plan for the Islamic-Iranian Model of Progress: Tulid-e Danesh Publishing; 2011.
27. Ja'fari F, Ahmadi R. Economics of Culture and Iranian-Islamic Fashion: Challenges and Solutions. *Economics and Culture Quarterly*. 2021;12(3):87-104.
28. Ivazi MR, editor Foresight and Moving from the Fundamental Model to the Islamic-Iranian Model of Progress. Collection of Articles of the 7th Conference on the Islamic-Iranian Model of Progress; 2018.
29. Rajabi M. The Economics of Industrial Arts in Iran. Tehran: Cultural and Art Research Institute Publications; 2021.
30. Saburi Ordubadi A. The Conduct of Islamic Well-being. Tehran: Islamic Culture Publishing Office; 2007.
31. Shayan Mehr AR. Comparative Encyclopedia of Social Sciences. Tehran: Keyhan Publishing; 1993.
32. Shukuhi M. The Reality of Fashion and Fashionism. *Fasl-e Now Internet Magazine*. 2009;5(54):16-54.
33. Craik B. Fashion: The Key Concepts: Berg Publishers; 2009.
34. Kawamura Y. Fashion-ology: An Introduction to Fashion Studies. London: Bloomsbury Academic; 2023.
35. Bourdieu P. Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste. Cambridge, MA: Harvard University Press; 1984.
36. Giddens A. Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age. Cambridge: Polity Press; 1991.
37. Kiyani F. The Status of Fashion in the Representation of Iranian Youth Identity. Tehran: Jame'eh Shenasan Publications; 2016.
38. Khorasani Zadeh M. The Place of Art in the Fundamental Iranian-Islamic Model of Progress. *Art and Media Studies Quarterly*. 2020;2(4):29-56.
39. Javadi Amuli A. Woman in the Mirror of Majesty and Beauty. Qom: Isra' Publications; 2014.
40. Zulfaqari H. Symbolism in Iranian Traditional Arts. Tehran: Sureh Publications; 2019.
41. Musawi SR. Apparel Design and National Identity. *Islamic Art Studies Quarterly*. 2020;17(38):85-101.
42. Nasr SH. Science and Civilization in Islam. Tehran: Khwarazmi Publications; 1999.
43. Purjavadi N. Horizons of Mysticism in Iran. Tehran: Ney Publishing; 2011.
44. Purjavadi N. The Language of State in Mysticism and Persian Literature. Tehran: Ney Publishing; 2011.
45. Ardalan N. The Sense of Unity: The Mystical Tradition in Iranian Architecture. Tehran: Khak Publishing; 2010.
46. Ketabi A. Color Aesthetics in Islamic Art. Tehran: Institute for Compilation, Translation, and Publication of Artworks; 2016.
47. Suhrawardi Sa-D. The Philosophy of Illumination. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research; 1996.